



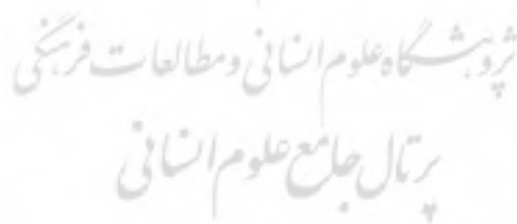
Typo-Morphology of social and cultural architecture of Qajar houses in Nobar neighborhood of Tabriz

Sara Pourmokhtar^۱, Dr.MohammadReza PakdelFard^{*۲}, Dr. Hassan Sattari Sarbangoli^۳

(Received date: ۲۰۲۳-۰۶-۲۰ - Accepted date: ۲۰۲۳-۰۶-۲۴)

Abstract:

The historical context in the cities of Iran are rich treasures that are explored in various dimensions based on scientific analysis and can reveal their hidden aspects. One of these dimensions explored are historical houses. In different historical periods, houses are the most important scale of living in cities. Also, before they were a physical unit, they were a social, cultural and historical unit that took on a body affected by this characteristic. In this research, from the social and cultural aspect, the typology of the architecture of the Qajar houses in Nobar neighborhood of Tabriz has been discussed. The research method is historical interpretation and the means of collecting information is in the form of library, documents and historical texts and based on content analysis. After examining the structural changes of the society, the architecture of Qajar houses has been analyzed from the two dimensions of the cultural structure and the social structure in the spatial elements of the entrance, courtyard and internal spaces and accesses in the architectural body of the examples. The results of the research indicate how to create a specific architectural structure based on indicators such as cultural, social, economic, political and religious beliefs, according to which a single structure has been formed from the physical and functional aspects of Qajar houses in Nobar neighborhood of Tabriz.



Key Words: Cultural developments, Social System, Typology, Qajar architecture, Tabriz.

^۱ Architecture PhD student, Islamic Azad University, Tabriz, Iran sarah.purmokhtar@gmail.com

^۲ Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

m.pakdelfard@srbiau.ac.ir

^۳ Associate Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. sattari@iaut.ac.ir



۱۰.۳۰۴۹۵/jsc.۲۰۲۳.۱۹۸۹۶۷



گونه ریخت‌شناسی ساختار اجتماعی فرهنگی معماری خانه‌های قاجار محله نوبر تبریز

سارا پورمختار^۱، دکتر محمدرضا پاکدل فرد^۲، دکتر حسن ستاری ساربانقلی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲)

چکیده

بافت تاریخی در شهرهای ایران گنجینه‌هایی غنی هستند که تفحص در ابعاد گوناگون آن بر پایه تحلیل‌های علمی بوده و می‌تواند جوانب نهفته‌شان را آشکار سازد. یکی از این بعدهای مورد کاوش، خانه‌های تاریخی هستند. در دوره‌های تاریخی مختلف، خانه‌ها به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهرها هستند. همچنین پیش از آنکه یک واحد کالبدی باشند، واحدی اجتماعی فرهنگی و تاریخی بوده‌اند که کالبدی متأثر از این خصیصه را به خود گرفته‌اند. در این پژوهش از بعد اجتماعی فرهنگی به گونه‌ریخت‌شناسی کالبد معماری خانه‌های قاجار محله نوبر تبریز پرداخته شده است. روش پژوهش، تفسیری تاریخی و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و متون تاریخی و براساس تحلیل محتوا است. معماری قاجار خانه‌ها پس از بررسی تغییرات ساختاری جامعه از دو بعد ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی در عناصر فضایی ورودی، حیاط و فضاهای داخلی و دسترسی‌ها در کالبد معماری نمونه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از چگونگی ایجاد ساختار مشخص معماری بر اساس شاخصه‌های چون نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادات مذهبی که به موجب آنها ساختاری واحد از بعد کالبدی و عملکردی خانه‌های قاجاری محله نوبر تبریز شکل گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها: تحولات فرهنگی، نظام اجتماعی، گونه‌ریخت‌شناسی، معماری قاجار، تبریز.

sarah.purmokhtar@gmail.com
m.pakdelfard@srbiau.ac.ir
sattari@iaut.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
^۳ دانشیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.



10.30495/jssc.2023.198967



مقدمه

معماری قاجار فصل تاریخی معماری ایران در گسست از سنت‌های پیشین و همگام شدن با ره‌آورد‌های تمدن غرب محسوب می‌شود. بررسی ریشه‌های بروز تجدد و گرایش به معماری غرب در معماری ایران بدون توجه به تحولات روی‌داده در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار امر صحیحی به نظر نمی‌رسد (سعادت‌ی خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۱). در آغاز این دوره سبک و سیاق سنتی عمده‌ترین حجم بناها را خانه‌های مسکونی شکل داده است. از طرفی با افزایش نفوذ فرهنگ و تمدن غربی از اواسط قاجار، بهره‌گیری از هنر معماری غرب در طرح خانه‌ها اوج پیدا کرده و به مرور زمینه ظهور خانه‌هایی به سبک تلفیقی و دو قطبی شدن سبک‌های رایج را فراهم آورده است. جریان گرایش به معماری غرب به همین جا پایان نیافته و در سه دهه پایانی عصر قاجار، خانه‌هایی به سبک کاملاً غربی توسط رجال متمدن و متنفذ قاجاری به وجود آمد (قبادیان، ۱۳۹۳: ۲۴۵). معماری این زمان از دید خلاقیت فضایی، دوره با ارزشی تلقی شده و در جایگاه بالاتر و کامل‌تری از دوره‌های قبلی خود نظیر زنده و صفویه قرار می‌گیرد، زیرا در این دوره خلاقیت فضایی افزایش می‌یابد. همچنین معماری قاجار به حق اصول، مبانی و الگوهای قدیم معماری ایران را ارتقا بخشیده و نوآوری خلاقانه‌ای از نظر فضایی ایجاد کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد قدرت خلق معماری جدید را نداشته است. و نیز هنر و فرهنگ ایرانی در این دوران گامی به سمت تفکر مدرن برداشته بلکه حرکتی ناخودآگاه در مسیر اسطوره‌های انجام داده است (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۵). همچنین معماری قاجار بخشی مهم از تاریخ معماری ایران است و این اهمیت به‌واسطه شکل‌گیری جریان برجسته تحول و تغییر در فضای اجتماعی و همچنین در مفهوم کالبد و فضا است. خانه‌های این دوران را نیز می‌توان به لحاظ کمی و کیفی مهمترین دسته از خانه‌های تاریخی ایران به حساب آورد. معماری به عنوان نمود کالبدی فرهنگ یک جامعه، در طول تاریخ هم متأثر از تعاملات فرهنگی، تغییرات سیاسی و اصلاحات اجتماعی بوده و هم بر الگوهای رفتاری افراد جامعه تأثیرگذار بوده است. ضرورت درک دنیای جدید، از دوران مدرن خود را بیش از پیش نشان داد. در این راستا مواجهه ملت‌ها با تحولات جوامع پیشرفته هم‌عصر خود به صور گوناگونی اتفاق افتاد. اهمیت و ضرورت خانه ایرانی به عنوان بعدی از زندگی انسان با سایر ابعاد زندگی در کنش و ارتباط متقابل بوده و از این رو مطالعه خانه‌های سنتی ایرانی می‌تواند مشخص‌کننده روابط انسانی، ساختار زندگی، ویژگی‌های معماری در یک بنای کاملاً شخصی و ... باشد. در این میان تبریز یکی از مراکز مهم تحولات اجتماعی و سیاسی کشور در طول قرن‌ها به شمار آمده و با پیشینه تاریخی خود، دارای بافت شهری و معماری ارزشمندی است. که از دیرباز در دوره‌های تاریخی مختلف همیشه جزء اولین یا دومین شهر در سلسله‌های حکومتی ایران شناخته می‌شده است. از این رو به عنوان گنجینه‌ای غنی می‌تواند ابعاد نهفته در بافت سنتی خود را نمایان کند. "شهر تبریز از زمان فتحعلی‌شاه مقر ولیعهد ایران گردید (۱۲۱۳ هـ.ش) و تا آخر دوره قاجاریه ولیعهدنشین ایران بود. این شهر میراث‌دار تحولات دوره‌های پیش



doi: 10.30495/jssc.2023.198967



از خود بر پیکره شهر بوده است. در این دوره با عنوان دارالسلطنه به مناسبت حضور ولیعهد شناخته می‌شد. دارالسلطنه به دو دوره تفکیک شده است. ۱. اوایل دوره قاجار (سرداری نجف قلی خانی و ولیعهدی عباس میرزا) ۲. اواخر دوره قاجار (از ولیعهدی ناصرالدین میرزا تا ولیعهدی محمدعلی میرزا و مشروطیت). اهمیت ویژه شهر تبریز در دوره قاجار و الحاق عنوان دارالسلطنه به سبب حضور ولیعهد، تحولاتی را در این شهر به وجود آورد. این روند تحولات در محورهای گوناگون همچون مسائل اجتماعی فرهنگی است" (نژادابراهیمی و آیشم، ۱۴۰۰: ۴۸).

بافت تاریخی دربرگیرنده مجموعه‌ای از عناصر شهری و ریزفضاها از قبیل دروازه‌ها، محلات، مرکز محلات، بازارها، معابر، همسایگی‌ها، خانه‌ها، تک بناهای مذهبی، آموزشی، ورزشی بناهای عام المنفعه و ... می‌باشد که به شکل یکپارچه و همگن از حیث تاریخی و به لحاظ فرم ساختار، ابعاد ساختار، جنس مصالح و ... بر پایه مقیاس انسانی و درون حصار (برج و بارو) و با توجه به جهت تابش آفتاب و پستی و بلندی زمین و به مرور زمان و به تدریج شکل گرفته است (سنگری و عمرانی، ۱۳۹۳: ۱۲). شهر تبریز در اواخر قاجار، به‌راستی وارث مجموعه‌ای بوده است که از عناصر و اندام‌های متعلق به سال‌ها و قرون گذشته تشکیل شده و همه آنها همگن با نیازهای هر دوره، دچار تحول و دگرگونی شده بودند (سلطانزاده، ۱۳۷۶؛ عمرانی، اسمعیلی، ۳۸۵). با وجود این هنوز قسمت‌هایی از حیات خصوصی و عمومی مردم سربه‌مهر باقی مانده و همچنین برخی از عناصر و مجموعه‌های معماری و شهری نقش و موقعیت خود را از دست نداده بود (بیلیان اصل، ۱۳۸۸: ۴۱). قسمت تاریخی تبریز همانند بسیاری از شهرهای مرکزی کشور از بافتی درونگرا و منسجم تشکیل یافته و شبکه ارتباطات آن به علت ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و محیطی، دارای شکلی ارگانیک و غیر هندسی بود.

در باب مسائل فرهنگی اجتماعی ابتدای دوره قاجاریه می‌توان به مواردی نظیر اقدامات صلح‌طلبانه عباس میرزا (ولیعهد) و جلب رضایت مردم، تفکیک خالصه‌ها از موقوفات، تعیین روز مظالم، تاسیس چاپارخانه و اعزام محصل به فرنگ و تاسیس اولین چاپخانه سربی در دارالسلطنه تبریز اشاره نمود. اشاره به این امر ضروری به نظر می‌رسد که اقدامات فرهنگی اجتماعی معمولاً به دلیل جنس ویژه خود در بازه زمانی‌ای طولانی تری جوابدهی مناسبی دارد و اقدامات صورت گرفته در اوایل دوره قاجار از این قاعده مستثنی نبود است. اقدامات و اصلاحات فرهنگی اجتماعی عباس میرزا اگر چه در دوران خود تأثیرات چشمگیری بر دارالسلطنه تبریز نداشت اما سبب حضور رجالی متفاوت با رجال سنتگرا در میان اعضای دارالخلافه در اواسط و اواخر دولت قاجار شد. تأثیر معماری مدرن و تأثیر پذیری برخی از اقدشار جامعه به فرنگی شدن در آداب زندگی، نحوه لباس پوشیدن، نوع اشیای مورد استفاده، لوازم زندگی، ساختمان سازی و باغ آرایی از دنیای غرب در اواخر دوره قاجار را می‌توان از دیگر تحولات رخ داده در شهر تبریز به واسطه نقش ویژه آن در سازمان فضایی کشور عنوان نمود (نژاد ابراهیمی و آیشم، ۱۴۰۰: ۵۴).



۱۰.۳۰۴۹۵/jsc.۲۰۲۳.۱۹۸۹۶۷



خانه‌های تاریخی بخش بسزایی از بافت‌های شهرهای تاریخی‌اند که نشان‌دهنده هویت جامعه می‌باشند به‌ویژه دوره قاجار در معماری ایران سهم زیادی در تأثیرگذاری دارد (پیرنیا، ۱۳۹۷: ۲۸۰). سیاق و سبک زندگی افشار گوناگون تحت تأثیر جایگاه طبقاتی آنها قرار دارد. از این جهت می‌توان دریافت که در یک محیط ثابت، وجود ناهمسانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شکل‌گیری تفاوت‌هایی در طبقات اجتماعی و بالطبع در طرز زندگی و الگوهای سکونت و مسکن افراد می‌شود. مطالعه خانه از این جهت به دریافت تفاوت‌ها و تشابه‌ها میان ساختار خانه‌ها در یک جامعه کمک می‌کند (محمدحسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲). با توجه به تحولات صورت گرفته در قرن اخیر، خانه‌های تاریخی به شدت در معرض نابودی قرار دارند. این در حالی است که بخش عمده‌ی بافت‌های شهرهای تاریخی ایران را تشکیل می‌دهند. لذا برای حل این معضل و آشنایی آیندگان با این مباحث مهم، بررسی خانه‌های سنتی دوره قاجار از بعد تحولات فرهنگی تأثیر بسزایی در دستیابی به ساختارهای کالبدی، روابط فضایی، الگوها و ویژگی‌های معماری سنتی ایران در آن دوره دارد.

مطالعه بناهای معماری با گونه‌شناسی صورت می‌پذیرد. گونه‌شناسی خانه‌ها را شاید بتوان عمده‌ترین حوزه تمرکز پژوهشگران دانست. از طرف دیگر گونه‌شناسی معماری به شکل‌های مختلف آن، هنوز هم کاربردی موثر در ایران و جهان برای مطالعات گروهی از اندام‌های معماری می‌باشد. اگرچه ممکن است نام آن در فرهنگ هر کشور تغییر کند و به نمونه‌شناسی، ریخت‌شناسی، دسته‌بندی و سایر خوانده شود. اما در اصل به دنبال نماینده‌ای بوده که مشخصه‌های معماری یک گروه از اعضا را بیان کند. "واژه تیپولوژی یا گونه‌شناسی در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ گرفته شده‌است و در زبان فارسی واژه گونه یا تایپ را می‌توان به گونه خاص با یک ویژگی یا علامت مشخص نسبت داد. شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم از دیرباز تاکنون، بیانگر اهمیت به سزای آن بوده‌است" (موسوی و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱). معمار به وسیله مفهوم گونه و عمل بر اساس آن پیوند بین حال و گذشته را برقرار می‌کند. این پیوند به زنجیری از حلقه‌های به هم پیوسته که در طول تاریخ تکامل یافته تبدیل شده است. آنچه در زمان حال ساخته می‌شود یک حلقه از آن زنجیره است. برای عمل صحیح و مناسب در زمان حال باید حلقه‌های دیگر زنجیر را خواند (معماریان و دهقانی‌تفتی، ۱۳۹۷: ۲۶). از طرف دیگر شناخت ریخت و فرم در بررسی پدیده‌ها و تحولات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (علی‌آبادی و محمدی، ۱۳۹۸: ۵۲). ریخت‌شناسی را می‌توان یک محیط کالبدی متمرکز دانست، اما به‌طور کلی ارتباطی میان عناصر فضایی و مادی شهر و نیروهای اجتماعی و اقتصادی متشکل آن را نیز ایجاد می‌کند (میرمقتدایی، ۱۳۸۵: ۲۳) که مطالعه فرم درطول زمان است (Scheer, ۲۰۰۲: ۱۰۶). به عبارت دیگر بررسی نظام‌مند ساختار، فرم، نقشه، شکل و کارکرد بافت مصنوع شهرها و مبدا روش‌های تکامل یافته این بافت را در طول زمان گویند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۸). در همه مکتب‌های گونه‌ریخت‌شناسی، از قطعات زمین به عنوان کلیات سازنده‌ی ساختار بافت‌های شهری نامبرده شده است. که بر پایه‌ی دسته‌بندی بناها، به شرح



تیپولوژی گونه‌ها و الگوهای آن‌ها می‌پردازد. شواهد موجود در بافت‌های تاریخی نشان می‌دهد معماران ایرانی در گذشته از مفاهیمی نزدیک به گونه و گونه‌شناسی بهره برده‌اند. بناهای موجود از معماری گذشته در کنار داشته‌های معماران سنتی و باشندگان بناها، در عمق دادن به دانش و درک ما از معماری ایرانی نقش اساسی دارد. در این میان تبریز به عنوان یکی از شهرهای مهم ایران به خصوص در دوره قاجار، دارای بناهای معماری شاخص و برجسته‌ای بوده و خانه به عنوان یکی از پرکاربردترین این بناها و معماری آن در این شهر بسیار چشمگیر و تامل برانگیز می‌باشد. ارزیابی گونه‌شناسانه از منظر دوره ساخت می‌تواند علاوه بر تمرکز در انتخاب نمونه‌های مطالعه به تعریف محدوده پژوهش، به عنوان پارامتری برای گونه‌شناسی به کار رود. از این‌رو در گونه‌ریخت‌شناسی خانه‌های تبریز دوره تاریخی قاجار انتخاب شده است. در این دوره از تاریخ مرادفات زیادی بین دولت ایران و کشورهای دیگر وجود داشته است ولی تحقیق منسجمی در مورد مفاهیم نهفته‌ی تأثیرگذاری تحولات اجتماعی فرهنگی در الگوهای شکل‌گیری گونه‌ریخت‌خانه‌های حیاطدار قاجار تبریز انجام نشده است. با توجه به موارد فوق الذکر ضروری است؛ نگرشی عمیق را در ریشه‌های طراحی خانه‌های قاجار تبریز و گونه ریخت آن‌ها بکار بست. پژوهش حاصل بر آن است تا با بیان مثال‌هایی از خانه‌های قاجار (با مطالعه موردی محله نوبر تبریز)، به بررسی جنبه‌های مشترک و یا متفاوت در کالبد خانه‌های با ارزش این دوره‌ی تاریخی بپردازد. تا در این راستا نقاط مبهم موجود در الگوی خانه‌ها شفاف‌تر شده و معماران هر چه بهتر متوجه تأثیر تعاملات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... در طراحی این فضاهای مسکونی شوند. هدف پژوهش حاضر این است که بر اساس رویکردهای موجود، چارچوبی کلی در راستای گونه-ریخت‌شناسی الگوهای خانه‌های حیاطدار محله نوبر تبریز بر پایه ساختار اجتماعی فرهنگی دوره قاجار تبیین شود. برای رسیدن به این هدف باید الگوهای خانه‌های حیاطدار قاجار تبریز بر اساس شاخصه‌های نظامند دوره قاجار از بعد اجتماعی و فرهنگی واکاوی گردد.

روش پژوهش

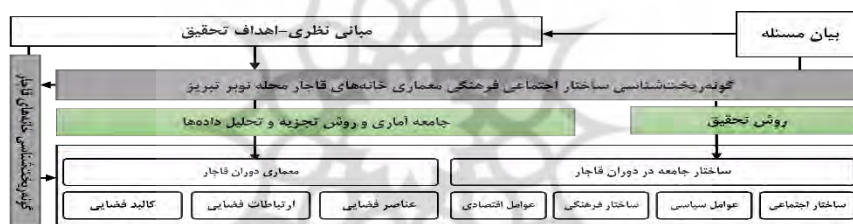
مطالعه حاضر پژوهشی است که با روش توصیفی تحلیلی تدوین شده است. بخش نظری با رویکرد کیفی با توجه به مبانی نظری، در حوزه گونه ریخت‌شناسی و اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش عملی از طریق مورد پژوهی در طی دو مرحله انجام شده است. ابتدا شناخت خانه‌های مورد مطالعه بر مبنای دوره تاریخی، به واسطه مطالعات میدانی، ترسیم پلان و مطابقت با نقشه دارالسلطنه انجام شده، سپس در مرحله دوم نمونه‌های مورد مطالعه مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته و عوامل مشترک یا متفاوت به منظور معرفی گونه‌شناسی مشترک-متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مطالب ذکر شده، جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش و دست‌یابی به هدف تحقیق، گردآوری اطلاعات با رویکرد توصیفی و تحلیلی تاریخی-اسنادی با جمع‌آوری اسناد و مدارک و منبع‌های مورد نیاز انجام شده است. تجزیه، تحلیل و بررسی مطالعات انجام یافته به صورت تحلیلی تطبیقی انجام می‌گیرد.



10.30495/jssc.2023.198967



مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مستندات تاریخی از جمله سفرنامه‌ها و اسناد تصویری تهیه شده توسط سیاحان، کتب و مقالات مذکور با در نظر گرفتن چارچوب نظریه ریخت‌شناسی محلات و ساختار اجتماعی فرهنگی دوره قاجار سعی در تحلیل در بافت مسکونی محله ای نوبر شهر تبریز در دوره قاجار دارد. با استناد به مدارک موجود و به لحاظ سابقه‌ی تحقیق، باید یادآور شد که تاکنون تحقیق تخصصی در زمینه‌ی ارتباط تیپورفولوژی خانه‌های قاجار در محله نوبر به شکل مقایسه‌ای صورت نگرفته است و پژوهش‌های مشابه بیشتر مفاهیم ریخت‌شناسی را بررسی کرده‌اند. وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته، رویکرد کل‌نگر آن است که سعی دارد به نحوه‌ی ارتباطات اجتماعی فرهنگی خانه‌های قاجار با کلیت محله‌ی نوبر بپردازد، به عبارتی نقش ساختار جامعه را در سازمان فضایی شهر تبریز در محله نوبر در محدوده مورد مطالعه با ۴ نمونه موردی مشخص، تحلیل و بررسی کند. خانه‌های بهنام، قدکی، حیدرزاده و سلماسی به عنوان چهار نمونه مورد مطالعه معرفی شوند. در شکل ۱ مدل پژوهش ترسیم شده است.



تصویر ۱: مدل تحلیلی پژوهش

یافته‌های پژوهش:

گونه‌شناسی خانه‌ها نیازمند مطالعه و یافتن اشتراکات اصلی بین نمونه‌ها از لحاظ کاربست تحولات اجتماعی فرهنگی است. اگرچه وجود اشتراکات در پدیده‌ها و به‌طور اخص در طرح‌های معماری دال بر تبعیت آن‌ها از الگویی مشخص نیست. اما طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس گونه‌ها می‌تواند به شناسایی ساختاری نظامند نیز کمک کند. از این رو باید ریشه‌های تکوین خانه‌های قاجار تبریز در بستر محله و با توجه به آثار شکلی و معنایی مشترک که بر اساس ساختار مطرح شده مورد بررسی قرار گیرند. تا به علل وجودی آن‌ها پی برده شود. پژوهش حاضر سعی دارد تا با تبیین چارچوب جامعی از طریق ساختار فرهنگی اجتماعی قاجار به گونه‌ریخت‌شناسی خانه‌های حیاطدار قاجار محله نوبر تبریز بپردازد. این تحلیل‌ها شروعی است برای یافتن مفاهیم معنایی گونه‌ریخت‌شناسانه در راستای نحوه‌ی تجلی آن‌ها در بستر خانه‌های قاجار تبریز به طوری که بتوان به ساختار نظام‌مند اجتماعی سیاسی رسید. معماری قاجار بخشی مهم از تاریخ معماری ایران است و این اهمیت به‌واسطه‌ی شکل‌گیری جریان برجسته‌تحول و تغییر



doi: 10.30495/jssc.2023.198967



در فضای اجتماعی و همچنین در مفهوم کالبد و فضا است. خانه‌های این دوران را نیز می‌توان به لحاظ کمی و کیفی مهمترین دسته از خانه‌های تاریخی ایران به حساب آورد.

تحولات فرهنگی و تأثیر آن بر ساختار کالبدی خانه‌ها در دوره قاجار کاملاً مشهود است. در معماری سنتی ایران، ساختن خانه و همچنین محل سکونت مسئله‌ای فرهنگی بوده که در ارتباط بی‌واسطه با سنت، اقلیم و نگرش فرهنگی اجتماعی مردم است، به‌شيوه‌ای که خانه نمادی از خود انسان و مظهر سنت‌های فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود (پورمند و ریخته‌گران، ۱۳۸۵). در واقع در ایران، خانه‌های تاریخی به عنوان بخشی از صفحات زرین هویت مردمان این سرزمین هستند. در معماری سنتی ایران، خانه^۱ مهمترین فضای معماری بوده که در تلفیق با فرهنگ، اقلیم، هنر بومی در هر منطقه جغرافیایی نمود و عناصر فضایی خاصی داشته است.

فرهنگ^۲ در تعاملات جامعه و عوامل شکل‌دهنده آن، چرخه‌ای از عوامل دو سویه را تشکیل می‌دهد که با علم، هنر، دین و اجتماع پیوندی ناگسستنی دارد. لذا فرهنگ سکونت در جامعه ایرانی را می‌توان بر پایه دو مؤلفه فرهنگ ملی و ارزش‌های مذهبی دانست که نمود آن را به خوبی می‌توان در معماری سنتی به عنوان تجلی‌گاه الگوهای بومی مشاهده کرد (لطیفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۰). بیل هیلیر^۳ منطق فرهنگی-اجتماعی فضا را به صورت زیر بیان می‌کند: منظر اجتماعی، فرهنگی موجود در پیکره‌بندی فضایی، همچون قواعد گرامری در شکل‌دادن به متون ادبی است. از این جهت خصوصیات اجتماعی و فرهنگی ساکنان هر منطقه، از آنگونه عوامل پراهمیت در شکل‌گیری ساختار فضاهایی سکونت‌گاه به حساب می‌آیند (Hiller, ۲۰۰۷: ۷۷). این طرز فکر در ساختمان‌های تاریخی که به شیوه بومی ساخته شده‌اند، شدت بیشتر داشته است. «فرم‌های بومی و ارزش‌های زیبایی به بخش‌هایی از زبان برگشته که ناشی از نمادها و ارزش‌های اجتماعی است. بازخوانی معماری بومی می‌تواند به درک درست محیط ساخته شده و الگوهای معماری و فرهنگی منتهی شود» (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۱۹) و در ارائه الگوهای بهینه معماری مؤثر واقع گردد (لطیفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۳). این نمادها و نشانه‌ها از هویت شخصیتی و اجتماعی منتج می‌شوند، ارزش‌های اجتماعی را بازگو می‌کنند.

تحولات معماری در اوایل دوره قاجار نیز به صورت درون‌زا بود، آهنگی کند و همگون با سایر پدیده‌های هنری و اجتماعی تأثیر می‌گرفت (سعادت‌ی خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۳). با این حال تلاقی فناوری اروپایی با فرهنگ سنتی ایرانی، که در آغاز دوره‌ی ناصری به قبول آرام اندیشه‌ها و مظاهر مادی غرب انجامیده

^۱ ساخت یک مسکن پدیده‌ای فرهنگی بوده و نظم فضایی، شکل و سازمان آن از محیط فرهنگی متأثر است که مسکن به آن تعلق دارد. عواملی همچون فن، تکنولوژی و اقلیم نیز در شکل‌دهی لایه‌های بعدی به پیکره‌ی ساختمان قرار دارد (راپاپورت، ۱۳۹۲).
^۲ معماری پدیده‌ای فرهنگی است و با وجود آن که محصول تأثیرگذاری عوامل متعددی نظیر اقلیم، جغرافیا، اقتصاد، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و ... است، اما در میان این عوامل یاد شده، فرهنگ در تعامل با ویژگی‌های محیطی، نقش تعیین‌کننده در نحوه شکل‌گیری محیط‌های انسان ساخت ایفا می‌کند (راپاپورت، ۱۳۹۲).

^۳ B. Hillier



doi: 10.30495/jssc.2023.198967



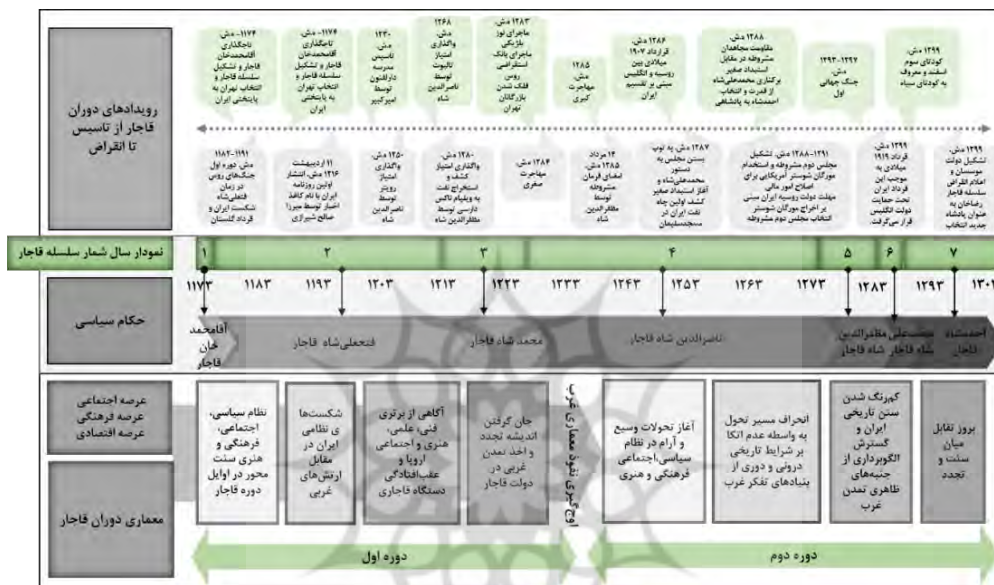
بود، در اواسط این دوره به نبرد و تقابلی جدی میان سنت و تجدد مبدل شد (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۸). از ویژگی‌های این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ساختمان‌ها دارای ویژگی‌هایی نظیر تقارن در نمای اصلی و پلان، نماد نئوکلاسیک، کاربرد بام‌های شیب‌دار گاه‌با نماد سنتوری، قوس‌های نیم‌دایره به جای قوس‌های جناغی معماری سنتی، ستون‌ها و تزئینات کلاسیک و تصاویر واقع‌گرا، بالکن بالای سردر ورودی، ایجاد ترکیبات حجمی جداره‌ها و کنج‌ها (مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۸). سیر تکاملی معماری ایرانی در حرکتی مستمر و تدریجی، از درون سنت‌ها و تجربیات پیشین صورت گرفته است؛ به همین دلیل است که معماری سنتی ایران، علی‌رغم تمامی تغییرات و تحولات ناگهانی ناشی از تهاجمات نظامی و شوک‌های فرهنگی، به فردیتی ممتاز از معماری دیگر کشورهای مسلمان نائل شده است.

شهر تبریز در دوره فتحعلی‌شاه به جهت اقامت ولیعهد قاجار، عباس‌میرزا و نزدیکی شهر به قفقاز، گرجستان و عثمانی به مرکز مبادلات اقتصادی و فرهنگی در میان ایران و کشورهای همسایه شمالی و شمال غربی درآمد. نیز به دلیل انجام جنگ‌های ایران و روس ابهت نظامی و سیاسی یافت. حیات شهر در این دوره از سه بعد رونق بازرگانی، سیاسی و مرکزیت نظامی تأمین می‌شده است (صفا منش، ۱۳۷۹: ۳۶). عباس‌میرزا به قضیه آگاه بود که جلب رضایت مردم به جهت همراهی آنان با سیاست‌های بنای نظام جدید، نیازمند اقداماتی ملموس در خور کاستن از مصائب دیرینه آنان است. در دوره قاجار با توجه به گزارش‌های مورخان، مهمترین اقدامات انجام یافته اصلاح‌طلبانه عباس‌میرزا از بعد اقتصادی و اجتماعی بود. باوجود اینکه در سخنان عباس‌میرزا اشاره‌ای مستقیم به شناخت حقوق مردم وجود ندارد، اما توجه او به سیاست ظالمانه و مذمت حکام زمانه خویش به علت نادیده گرفتن حداقل حقوق رعایا طبعاً از نگرش او به رابطه حکومت با مردم و الزام جهت‌گیری فرمانروایی به سوی شناسایی حقوق مردم در حاکمیت قدرتی را بازگو می‌کند. این نگرش ذهنی نایب السلطنه، گرچه در آن دوره، راه به جایی نبرد، اما موجب شد رجال متفاوت با رجال سنت‌گرا در میان اعضای دارالخلافه به وجود آیند و در دهه‌های بعد، تجدید این اندیشه‌ها و منشا ظهور صدارت امیرکبیر شوند. با توجه به این امر امیرکبیر تربیت‌یافته دارالسلطنه تبریز بود، نه پرورده محیط کهنه‌پرست تهران آن روز (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۹۷).

اعزام محصل به فرنگ و پی‌ریزی‌های فرهنگی عباس‌میرزا و ولیعهد وی، موجب شد در این بستر افراد فرهیخته‌ای پرورش یابند. طالب اوف تبریزی یک نمونه از این افراد و دانشمند روشنفکر و آزادی‌خواه تبریز، مطلع در زمینه علوم فلسفی، اجتماعی، سیاسی و ادبی... بود. میرزا حسن رشیدیه پدر آموزش و پرورش نوین ایران که بانی نخستین آموزشگاه‌های نوین به سبک جدید در تبریز و تهران و قم بود (مجیدی و سرداری‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۱). از دیگر تحولات فرهنگی اجتماعی شکل گرفته در بستر شهر تبریز قاجاری، آفرینش آثار کتابت، کتابآرایی و تجلید نفیس و قابلیت‌توجه در دوره‌های مختلف تاریخی و هنری بوده است (رستمی، ۱۳۹۰: ۳۱۷). نخستین چاپ‌خانه‌های تبریز در سال ۰۵۴۵ هـ.ق با اعزام زین‌العابدین تبریزی (پدر صنعت چاپ ایران) وارد تبریز شد و بلافاصله به کار چاپ کتاب و روزنامه اقدام



کردند. از دیگر اقدامات فرهنگی اجتماعی صورت گرفته در این دوران می‌توان به تأسیس نخستین کتابخانه‌های عمومی در تبریز اشاره نمود (مجیدی و سرداری‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۱). در تصویر ۲ خط زمان دوره قاجار و رویدادهای عمده این دوره که موجب تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز ایجاد تحولات اساسی در معماری است.



تصویر ۲: نمودار خط زمان رویدادهای دوره قاجار

با تحلیل و بررسی ساختار فرهنگی اجتماعی جامعه در دوره قاجار که ساختار اولیه بافت شهرها را شکل داده اند، می‌توان الگوهای مناسب در این راستا به دست آورد. با توجه به مبانی نظری بدست آمده، به تشریح مفاهیم و شاخصه‌های بافت تاریخی تبریز پرداخته می‌شود. از میان محلات نقشه دارلسلطنه تبریز، محله‌ی نوبر انتخاب شده است. از دلایل انتخاب این محله پراکندگی زیاد خانه‌های ثبت شده و باقی مانده دوره قاجار در حال حاضر می‌باشد. گام بعدی شناخت و بررسی کالبدی چهار خانه قاجاری (خانه‌های بهنام، قدکی، حیدرزاده و سلماسی) به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در بافت تاریخی مذکور است. هدف اصلی تحلیل ساختار فرهنگی اجتماعی در نمونه‌های مورد مطالعه و در نهایت گونه‌ریخت‌شناسی بر اساس این ساختار است.

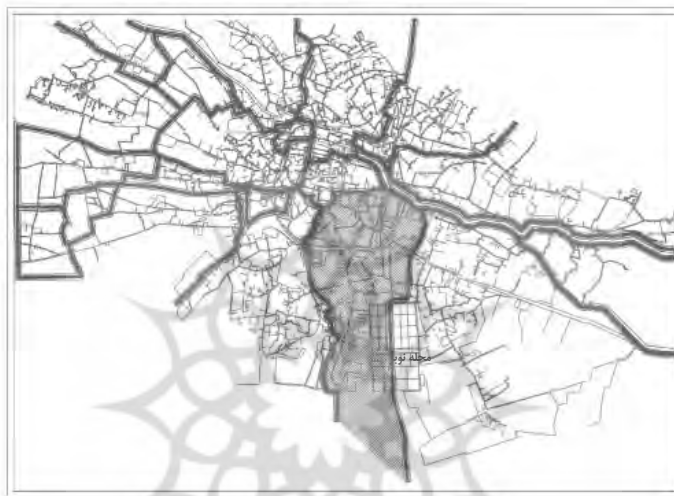
خانه‌ها از جمله مهم‌ترین گونه‌های معماری هستند که تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه در آنها قابل مشاهده است و گذر بر تاریخ معماری ایران حاکی از آن است که معماری دارای روند معین و دنباله‌دار بوده است، به‌شيوه‌ای که با دوره‌های قبل و بعد خود رابطه خردمندان‌ای داشته است؛ اما در دوران قاجار



۱۰.۳۰۴۹۵/jsc.۲۰۲۳.۱۹۸۹۶۷



شاهد ناپیوستگی در توالی فرهنگی در معماری این سرزمین هستیم. تبریز به سبب وجود شرایط و زمینه‌های مناسب برای ایجاد تحولات فرهنگی و هنری در طول تاریخ خاصه در دوران قاجار، بستری شایسته برای پیشرفت‌های نو و فرهنگی اجتماعی فراهم آورد. در نقشه دارالسلطنه تبریز در یک جدول نام بیست محله برده شده است که یکی از آنها محله نوبر است. در تصویر ۳ محدوده محلات در دوران قاجاریه و موقعیت محله نوبر بر اساس نقشه دارالسلطنه تبریز بازترسیم شده است.



تصویر ۳: محدوده محلات در دوران قاجاریه و موقعیت محله نوبر با بازترسیم نقشه دارالسلطنه تبریز، (ماخذ: نگارندگان)

همچنین خانه‌های بهنام، قدکی، حیدرزاده و سلماسی به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در جدول ۱ به تفکیک خانه‌ها به همراه پلان و مشخصات کلی بنا معرفی شده است. در این جدول به تفکیک هر خانه تصویر، پلان بنا آورده شده است. همچنین مشخصات فضای معماری در کالبد خانه‌ها با توجه به اندام‌های فضایی مشخص شده است. کاربری هر خانه در وضعیت کنونی نیز مشخص شده است. تصویر پلان خانه‌ها قسمت حیاط‌های اندرونی و بیرونی و همچنین فضای ورودی به همراه عناصر آن مشخص شده است. با توجه به اینکه در این پژوهش به گونه‌ریخت شناسی خانه‌ها بر اساس ساختار اجتماعی فرهنگی جامعه پرداخته شده است؛ فضای و روی به همراه عناصر آن از اهم تحلیل‌ها در این زمینه است. که فضای شهری بیرون را به درون خانه مرتبط می‌سازد. بعد از عنصر ورودی، فضای حیاط داخلی به همراه نحوه ارتباطات در عرصه‌های خانه مد نظر قرار می‌گیرد.



جدول ۱: معرفی خانه‌های بهنام، قدکی، حیدرزاده و سلماسی. (ماخذ: نگارندگان)

مشخصات	خانه بهنام	خانه قدکی	خانه حیدرزاده	خانه سلماسی
تصویر				
فضای معماری	دو حیاط اندرونی بیرونی و در دو سمت شاه نشین دارای ایوان. خانه در سه طرف شمالی، غربی و شرقی بنا شده که با یک ورودی مشترکی با خانه بهنام	به صورت اندرونی و بیرونی شامل دستگاه ورودی (سردر، هشتی و دالان)، حیاط بزرگ بیرونی، حیاط اندرونی، ایوان ستوندار برای نشیمن تاستانی	دو حیاط اندرونی و بیرونی مجموعه دارای راه پله مرکزی که این عنصر دسترسی به حوضخانه، طنبی و اتاق‌های جانبی و نشیمن سهل می‌سازد.	ساختمان شامل سردر، هشتی، راهرو ورودی، حوضخانه، طنبی، سه دری بزرگ و اتاق‌های جانبی، آب انبار و حیاط است. بنای موجود در واقع قطعه بیرونی ساختمان اصلی است.
کاربری	دانشگاه هنر اسلامی (دانشکده معماری)	دانشگاه هنر اسلامی (دانشکده معماری)	مرکز اطلاع‌رسانی و گردشگری آذربایجان شرقی	موزه سنتش
پلان				

با توجه به مدل تحقیق گونه‌ریخت‌شناسی کالبد فضایی خانه‌ها از سه بعد ورودی و عناصر آن، فضای داخلی و دسترسی‌ها، حیاط و عناصر مورد بررسی قرار گرفته است. فضاهای خانه‌های سنتی در اقلیم‌های گوناگون با توجه به شرایط با پارامترهای مربوطه بوده ولی در کل تنوع کمی دارند. فضاها در خانه‌های سنتی تبریز نیز با همان عنوان‌ها به کار گرفته شده‌اند. با توجه به روند تحقیق ابتدا فضای ورودی و عناصر پرداخته می‌شود.

در خانه‌های مورد مطالعه مجموعه ورودی شامل جلوخان، سردر، هشتی و دالان است. این عنصر به عنوان فضایی مطرح می‌شود که عرصه برون‌گرا بیرون را به عرصه درون‌گرا خانه متصل می‌کند. در بررسی خانه‌های قاجاری تبریز حیاط به دو قسمت حیاط اندرونی و حیاط بیرونی تقسیم می‌شود. حیاط بیرونی فضایی بعد از بخش ورودی خانه است که عرصه‌ای نیمه خصوصی بوده و مخصوص پذیرایی است. حیاط اندرونی عرصه کاملاً خصوصی دارد و مختص اعضای خانواده است که به عنوان رابط فضایی در فضاهای داخلی به حساب می‌آید که از طریق هشتی و دالان یک مفصل ارتباطی محسوب می‌شوند.

فضاهای داخلی در خانه‌ها عبارتند از اتاق‌ها که شامل دودری، سه‌دری، پنج‌دری، طنبی یا شاه‌نشین، کله‌ای یا گوشواره و ... است. در این میان شاه‌نشین یا طنبی جز مهم‌ترین فضاهای خانه به حساب می‌آید و محل اصلی پذیرایی از مهمان است. تمامی این عناصر بررسی شده در جریانات اجتماعی فرهنگی دوره قاجار نقش پررنگی داشتند. ساختار خانواده به نحوی بود که تمایل به تفکیک عرصه‌های خصوصی و



نیمه خصوصی و عمومی بود. این تفکیک حریم‌ها نشأت گرفته از فرهنگ جامعه و روابط اجتماعی آن دوران بود. حیاط‌های اندرونی و بیرونی باعث تفکیک فضاها و حریم‌ها بود.

بحث و نتیجه‌گیری

ساختار فرهنگی اجتماعی جامعه در کالبد معماری هر دورانی منعکس می‌شود. تعلق هر فرد بسته به روش زندگی و محل زندگی او مشخص می‌شود. با توجه به مشترکات فرهنگی و اجتماعی جامعه در دوره قاجار، ویژگی‌ها و معیارهای قومی، مذهبی در تعریف مفهوم و تعیین حدود محله هم نقش تعیین کننده‌ای داشتند. از آنجا که خانه‌های مورد مطالعه در یک محله واقع شدند، کالبد فضایی مشترکی بین آنها حاکم است. با توجه به مبانی مطرح شده بر مبنای نظام فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار تبریز می‌توان در تصویر ۴ به تفکیک این عوامل را دسته‌بندی کرد.

تصویر ۴: تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی دوران قاجار در کالبد معماری خانه‌های سنتی تبریز (ماخذ: نگارندگان)



جریانات فکری در لایه‌های کهن و نو هویت، بر لایه‌های تأثیرگذار در حفظ آثار هنری با گرایش‌های گوناگون هنر و معماری متمایز و آمیخته با خصوصیات ارزشمند و متعدد در بین آثار ملی، هویت ملی حاکم می‌پندارد. شیوه‌های تزئیناتی معماری خانه‌های قاجاری دارای ارزش‌های کالبد ساختاری ناب با محتوای واقع‌گرایانه در زمان خود بوده لیکن آنچه دارای ارزش است علیرغم تأثیر نفوذ غرب هنرهای ایرانی همچنان از هویت مستقل برخوردار بوده و حفظ نموده‌اند و پیوند با فرهنگ‌های گوناگون تلاش کرده تا با فرهنگ و هنرهای بیگانه فرنگی خود را از ویژگی‌های این هنرها مستقل گرداند.

تزیین در خانه‌های قاجار عمدتاً برگرفته از هنر و فرهنگ غربی بوده همچنین خاستگاه تزئینات تلفیقی از هنر بومی و غربی (وارداتی از اروپا) می‌باشد که از یکسو بازیابی مضامین فرهنگی و گستره مؤلفه‌های ارزشی و جامعه شکل‌دهنده به این گونه آرایه‌ها از اهمیت حائزتری برخوردار می‌باشد. معماری مسکونی،



10.30495/jssc.2023.198967



خانه‌سازی دوران قاجار را می‌توان دارای اصول، الگوها و تناسبات از معماری گذشته ایران دانست بعضی از خانه‌های تاریخی دوره قاجار عملکردی والاتر از مسکن دارند که این مسئله این دوران را متمایز می‌کند. گویا این خانه‌ها بازتاب فرهنگ جامعه حاکم‌اند. مطالعات انجام یافته نشان‌دهنده آن است که در دوره قاجار بسیاری از ویژگی‌های خانه‌های تبریز به نحوی با متغیرهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی و غیره هماهنگ بوده‌اند و طبقه اجتماعی ساکنین خانه‌ها نقش بسیار مهم در شکل‌گیری کالبدی خانه‌ها و گونه‌بندی آن‌ها ایفا کرده است. خانه‌های مورد مطالعه جز طبقه اعیان جامعه محسوب می‌شده‌اند. با توجه به مباحث مطرح شده در زمینه ساختار اجتماعی فرهنگی دوران قاجار و همچنین دسته‌بندی کالبدی فضای معماری با توجه به مدل پژوهش نتایج یافته‌های حاصل از آنها در جدول ۲ به تفکیک عناصر فضایی، ساختار فضایی، ساختار خانه و فرهنگ زندگی و ساختار خانه و عوامل اجتماعی مشخص شده است.

جدول ۲: گونه‌ریخت‌شناسی خانه‌های مورد مطالعه از بعد فرهنگی و اجتماعی

نمونه‌های مورد مطالعه	عناصر معماری	ساختار فضا	ساختار خانه و فرهنگ زندگی	ساختار خانه و عوامل اجتماعی
خانه بهنام خانه قدکی خانه حیدرزاده خانه سلماسی	فضایی داخلی و دسترسی‌ها	ارتباطات برون‌گرایی و درون‌گرایی تالار، طنبی، اتاق‌ها الگوهای متمایز هر فضا، استقرار فضاهای خدماتی و اقامتی به صورت مجزا	توجه به تمامی جوانب فرهنگی خانواده و آیین‌ها و مراسمات و تفکیک عرصه‌های مختلف در فضاهای خانه به اندرونی و بیرونی، حریم‌ها و عرصه‌ها، مهمانی‌ها در طنبی (مردان) و کله‌ای (زنان)	فضاهای انعطاف پذیر برگزاری مراسمات مذهبی، مهمانی‌ها و توجه به روابط اجتماعی، شان و منزلت صاحبخانه، تزیینات در طنبی جهت ارتقا جایگاه اجتماعی و شکوه و عظمت خانه
	حیاط و عناصر	حیاط به صورت اندرونی و بیرونی، ایوان ستون‌دار با تزیینات حیاط اندرونی مختص ساکنان	تفکیک عرصه‌ها، محرمیت، ارزش‌ها و باورها نشانه‌های نفوذ فرهنگی عینیت یافته در تزیینات	حیاط برون‌گرا فضای تعاملات اجتماعی با مهمان ایوان ستون‌دار با تزیینات نشان از جایگاه اجتماعی
	فضای ورودی و عناصر آن	فضای پیش ورودی با کمی تورفتگی در قسمت برون‌گرایی خانه، تزیینات باشکوه بر سردر و ورودی مرتفع، دارای دو سکو در طرفین، قرارگیری در کنج حیاط با عناصر سردر، هشتی و دالان، عدم دید مستقیم به داخل	دارای سلسله مراتب فضایی مسیر ورود به خانه و محرمیت حفظ فرهنگ و ساختار خانواده نداشتن ارتباط مستقیم با معبر بیرونی، ایجاد هویت فرهنگی در مرز تقابل فضای بیرون و فضای درون خانه و احترام به ارزش‌های فرهنگی جامعه	رعایت شان اجتماعی و اعتقادات مذهبی حفظ جایگاه اجتماعی دارای ورودی مرتفع و تزیینات باعث شان اجتماعی ایجاد فضاهایی جهت تعاملات اجتماعی در قسمت ورودی و هشتی

خانه صرفاً بنایی جهت سکونت نیست، نهادی در راستای یک سری مقاصد پیچیده بنیان شده است. با توجه به اینکه ساختن مسکن بعدی فرهنگی دارد، می‌تواند تحت تأثیر محیط فرهنگی جامعه متعلق به آن باشد. نقش خانه با توجه به بعد اجتماعی آن پررنگ‌تر جلوه می‌کند و به عنوان واحد فضایی مطرح می‌شود. خانه را نمی‌توان بدون توجه به بستر جامعه، عوامل فرهنگی و ساختار اجتماعی آن ساخت. تبعیت یک خانه از نظام اجتماعی و نظام فرهنگی جامعه امری اجتناب ناپذیر است. از این رو ساختار کالبدی خانه‌ها برگرفته از ساختار جامعه در دوران زندگی ساکنان آن است. از طرفی دوره قاجار به دلیل وجود فراز و نشیب ناشی از تغییرات اوضاع اجتماعی دوره پرتلاطمی محسوب می‌شود. شهر تبریز از این امر مستثنی نبوده و به سبب وجود شرایط و زمینه‌های مناسب برای ایجاد تحولات فرهنگی و هنری در



۱۰.۳۰۴۹۵/jsc.۲۰۲۳.۱۹۸۹۶۷



طول تاریخ در دوره قاجار بستری شایسته برای پیشرفت‌ها در راستای ساختار فرهنگی اجتماعی فراهم آورده بود. با بررسی نمونه‌های موردی به تأثیرگذاری فرهنگ زندگی و ساختار اجتماعی به کالبد معماری خانه اشاره نمود. در کل نتایج پژوهش بیان می‌دارد که شهر تبریز را می‌توان از جمله شهرهای سرآمدی در ایران دانست که از گذشته بر پایه مصادیقی از حضور لایه‌های فرهنگی در بستر روابط اجتماعی شکل گرفته است. با بررسی خانه‌های مورد مطالعه می‌توان با توجه به مشترکات اجتماعی و فرهنگی به این نکته دست یافت که بسیاری از جنبه‌های مفهومی در کل ساختار خانواده و محل زندگی افراد برگرفته از جامعه دوره قاجار، جایگاه و منزلت اجتماعی مالک، روابط خویشاوندی، هویت اجتماعی و ساختار خانواده به طور گسترده اشاره کرد. عرصه درون خانه، عرصه اعتماد، آرامش، اطمینان نشأت گرفته بر پایه ساختار فرهنگی خانواده و روابط اجتماعی جامعه دوران خود است. در تصویر جمع‌بندی مفاهیم کلی از شرایط حاکم بر خانه‌های دوران قاجار تبریز آورده شده است. به طور کلی در معماری خانه‌های قاجار تبریز رویکرد اجتماعی فرهنگی می‌توان ساختار هویتی دانست که با توجه به آن می‌توان به گونه‌شناسی دست پیدا کرد که مختص کالبد فضایی آن رویکردها باشد. این خانه‌ها را می‌توان میراثی ارزشمند شمرد که نظام فرهنگی و اجتماعی دوران قاجار را بازگو می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



10.30495/jssc.2023.198967



منابع

- اسمعیلی سنگری، حسین و عمرانی، بهروز. (۱۳۹۳). تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم. تبریز: فروزش.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. چاپ ششم، تهران: هنر معماری قرن.
- بلیلان اصل، لیدا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر راه‌ها بر شکل‌گیری نظام ساختاری شهر تبریز در دوره قاجار. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز)، ۱۴(۲۱): ۶۰-۳۵.
- پورمند، حسن‌علی و ریخته‌گران، محمدرضا. (۱۳۸۵). حقیقت مکان و فضای معماری. دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۲(۴): ۴۳-۶۰.
- پیرنیا، محمد. کریم. (۱۳۹۷). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان. چاپ بیست و پنجم، تهران: گلجام.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی. ترجمه: فرح حبیب، چاپ سوم، تهران: دانش پردازش و برنامه ریزی شهری.
- رستمی، مصطفی. (۱۳۹۰). طبقه بندی جلد‌های روغنی تبریز عصر قاجار از حیث طرح و نقش به کار رفته با تأکید بر آثار موجود در موزه قرآن و کتابت مسجد صاحب الامر، نشریه کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۴(۲۵): ۲۹۹-۳۲۰.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۸۴). عباس میرزا، نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۷۹-۱۱۱.
- سالینگروس، نیکوس. آی. (۱۳۸۷). ساختار زبان الگو. ترجمه سعید زرین مهر. فصلنامه تحقیقات معماری. سعادت‌ی خمسه، مهدی. (۱۳۹۶). ارزیابی انتقادی گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار. مدیریت شهری، ۱۶(۴۶): ۱۸۴-۲۰۳.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۷۶). تبریز خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. صفامنش، کامران (۱۳۷۹). شرح و تفسیر نقشه خریطه تبریز در حال انقلاب به تاریخ رمضان ۱۳۲۶ ه.ق. نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۳۱ و ۳۲.
- علی آبادی، زینب، محمدی، محمد، (۱۳۹۸). بررسی تحولات ساختار فضایی در مورفولوژی شهر طی ادوار تاریخی نمونه موردی: زنجان. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۹(۳۲): ۷۱-۵۰.
- عمرانی، بهروز و اسمعیلی سنگری، حسین. (۱۳۸۵). بافت تاریخی شهر تبریز. تهران: سمیرا، چاپ اول.
- فخاری تهرانی، فرهاد. پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۵). بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز. چاپ ترسیم، ناشر: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.



10.30495/jsc.2023.198967



قبادیان، وحید. (۱۳۹۳). معماری در دارالخلیفه ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران. چاپ پنجم، تهران: پشتون.

لطیفی، محمد؛ مهدوی نژاد، محمدجواد؛ یاناکونه، جولیان و پیمنتا دو واله، کلارا؛ (۱۴۰۰)، الگوی معماری اسلامی آینده با خوانش مبانی طراحی در مسکن بومی قاجار، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۳۴۹-۳۶۴.

مجیدی، موسی و سرداری نیا، الهام (۱۳۸۸)، نقش ابزارهای نوین اطلاع رسانی در تبریز در دوره قاجار، فصلنامه دانش شناسی، ۲(۶)، ۴۹-۶۲.

محمدحسینی، پریسا، جوان فروزنده، علی، جهانی دولت آباد، اسماعیل و حیدری، علی اکبر (۱۳۹۸)، تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن؛ نمونه موردی: خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در اردبیل. باغ نظر. ۱۶(۷۶)، ۳۱-۴۴.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماعی و مدنی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مشبکی اصفهانی، علی‌رضا و مشبکی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۹۸)، مقایسه تطبیقی نظام حاکم بر معماری عمارت‌های مسکونی دوران قاجار در تهران و شیراز با نگرش کالبدی، پژوهش در هنر و علوم تخصصی، ۴(۱۷)، ۲۷-۴۴.

معماریان، غلامحسین و دهقانی تفتی، م. (۱۳۹۷)، در جستجوی معنایی نو برای مفهوم گونه و گونه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: خانه گونه تالاردار شهر تفت). مسکن و محیط روستا، ۳۷(۱۶۲)، ۲۱-۳۸.

موسوی، مهسا و حمزه‌نژاد، مهدی (۱۳۹۸)، گونه شناسی مساجد سنتی خراسان (شمالی-رضوی-جنوبی) بر مبنای فضای باز و نیمه‌باز، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۹(۳۶)، ۱-۱۱.

میرمقتدایی، م. (۱۳۸۵)، هویت کالبدی شهر، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

نژادابراهیمی، احد و آیشم، معصومه (۱۴۰۰)، جایگاه برندسازی در تحولات شهرهای تاریخی ایرانی اسلامی؛ نمونه موردی: دارالسلطنه تبریز در دوره قاجاریه. نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۵(۷۸)، ۴۳-۵۱.

Scheer, B.C. (۲۰۲۲). *The radial street as a time - line, a study of the transformation of elastic, tissues*. In Stalinkork and Scheer, B.C. (eds.), *suburban from, an international perspective*, New York and London, Routledge.

Hiller, B. (۲۰۰۷). *Space in the machine*. Cambridge, University Press.